

گونه شناسی قیام های خون خواه امام حسین (ع)؛ توابین و مختار

پدیدآورده (ها) : احمدوند، عباس؛بهرامی، بهرام؛غضنفری، سعادت
تاریخ :: تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: پاییز 1389 - شماره 27
از 17 تا 28
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/755043

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تاریخ در آینه پژوهش ، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، ۱۷ ـ ۲۸
Tārikh dar Āyene-ye Pazhuhesh, Vol.7, No.3, Fall 2010

گونه‌شناسی قیام‌های خون‌خواه امام حسین؛ توابین و مختار

عباس احمدوند* / بهرام بهرامی** / سعادت غضنفری***

چکیده

قیام توابین و مختار، با هدف خونخواهی امام حسین انجام گرفت که رهبران آنها دیدگاه و روش‌های انقلابی متفاوتی داشتند؛ توابین بیشتر در پی جبران قصورشان در قبال قاتلان دشت طف بودند و معیارهای دشواری برای جذب نیرو داشتند. از این‌روی، تنها راه تحقق هدف خود را جان‌فشانی دانسته، قائل به اصالت وسیله، هم‌پایهٔ هدف بودند. دیدگاه مذهبی توابین و راه تحقق هدفشان، در جامعه آن روز کوفه اقبال عام نیافت و نتوانستند هدف قیام را تحقق بخشند؛ در حالی که مختار با تکیه بر تدبیر، دوراندیشی و به‌کارگیری ابزارهای گوناگون، بر کوفه تسلط یافت و بسیاری از قاتلان دشت طف را مجازات کرد؛ هرچند او نیز در نهایت مغلوب زبیریان شد و جنبشش داوم نیاورد.

کلید واژه‌ها: اختلاف دیدگاه، روش‌های انقلابی شیعیان، تطبیق قیام‌ها، تدبیر، توابین و مختار.

* استادیار دانشگاه زنجان. a. ahmadwand@gmail. com
** استادیاردانشگاه زنجان.
*** کارشناس ارشد گروه تاریخ و تمدن دانشگاه زنجان

دریافت: ۸۹/۱۱/۲۷ ـ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۸

www.noormags.ir

مقدمه

به گاه مرگ معاویةبن‌ابی‌سفیان و خودداری امام حسین‌ؑ از بیعت با یزید،[۱] کوفیان نغمه مخالفت، ساز کرده و با اجتماع در منزل سلیمان‌بن‌صرد خزاعی بر دعوت امام حسین‌ؑ به کوفه هم‌صدا شدند[۲] و طی نامه‌های بسیاری، آن حضرت را به کوفه دعوت کردند.[۳] امام‌ؑ نیز پس از تدبر و تحقیق در باب گفتار کوفیان راه کوفه در پیش گرفت.[۴] با این حال، کوفیان نتوانسته یا نخواسته امام حسین‌ؑ را یاری دهند و آن حضرت پس از رسیدن به کربلا همراه با ۷۲ تن از یارانش در مبارزه با حکومت اموی به شهادت رسید.[۵] شهادت امام حسین‌ؑ، ورود کاروان اسرا به کوفه، خطبه‌های آتشین حضرت زینب‌ؑ و امام سجاد‌ؑ در کوفه، وجدان‌های خفته کوفیان را بیدار کرد، به گونه‌ای که از کرده خویش پشیمان شده و در صدد جبران برآمدند،[۶] از این رو گروهی از آنها در اندیشهٔ خون‌خواهی امام حسین‌ؑ برآمده و قیام کردند. نخستین آنها توبه‌گذاران یا همان توابین بودند.[۷] در پی آنها مختاربن‌ابوعبید ثقفی با این هدف اساسی قیام کرد.[۸] البته به رغم هدف مشترک و شیعه بودن سران دو قیام، با دیدگاه و روش‌های متفاوتی در پی تحقق هدفشان بودند.

در پژوهش حاضر برآنیم پس از تبیین دیدگاه و روش‌های انقلابی دو گروه، علل و عوامل عدم اتحاد و فرجام متفاوت دو قیام را دریابیم. این پژوهش اساساً در پی پاسخ به این مسئله اصلی است و آن را با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی و بررسی تطبیقی در دو قیام هم عصر، مورد توجه قرار خواهد داد.

نگاه اجمالی به دو قیام

آن گونه که گذشت توابین نخستین گروهی بودند که در اندیشه خون‌خواهی امام حسین‌ؑ بر آمدند. آنها که از بی‌وفایی و پیمان‌شکنی خویش نادم بودند، در اندیشه توبه و تدارک آن برآمدند، از این رو در نخستین جلسه خود در سال ٦١ق، «سلیمان‌بن‌صرد» را به رهبری برگزیده، زمان قیام را ربیع الاخر سال ٦٥ و وعده‌گاه خویش را نخیله قرار دادند. در پی آن، تحرکات پنهانی و مخفیانه‌ای داشته و خود را برای شورش و قیام آماده می‌کردند. آنها با مرگ یزید و سستی امور حکومت، قیام خود را آشکار کرده[۹] و پس از تدارک مقدمات قیام به منظور مقابله با سپاه شام و انتقام از عبیدالله ابن‌زیاد و دیگر عاملان حادثه کربلا عزم آن دیار کردند. هرچند سپاه شام در این زمان (به دلیل مرگ مروان‌بن‌حکم و اشتغال

www.noormags.ir

عبدالملک‌بن‌مروان به امور جانشینی) با مشکل فرماندهی روبه‌رو بود، اما ابن‌زیاد، فرمانده کل سپاه اموی بر این مشکل فائق آمد و به‌رغم شجاعت فراوان گروه تواب در عین الورده بر آنها غلبه یافته و جمله توابین در این نبرد به شهادت رسیدند.[۱۰] تنها رفاعة‌بن‌شداد و هزار نفر از باقیمانده‌های توابین توانستند با استفاده از تاریکی شب گریخته و به کوفه باز گردند.[۱۱]

پس از افول ستاره قیام توابین در عین الورده، مختاربن ابی‌عبید ثقفی، دیگر خون‌خواه امام حسین، با گردآوری باقیمانده‌های گروه تواب[۱۲] و کسب حمایت ابن‌حنیفه[۱۳] و دیگر شیعیان، جنبشی دیگر بر ضد حکومت اموی سامان داد. مختار توفیق یافت بر کوفه تسلط یابد[۱۴] و پس از تثبیت نسبی قدرتش، به قاتلان امام حسین بپردازد و آنها را مجازات کند.[۱۵] توفیقات اولیه مختار، مخالفان زیادی برای وی پدید آورد، به گونه‌ای که اشراف قبایل کوفی، امویان و مصعب‌بن‌زبیر[۱۶] در صدد جنگ با او بر آمدند. خلاصه آنکه در دو نبرد «مذار» و «حرواء» نیروهای زبیری و اشراف قبایل کوفی و بصری بر مختار و همراهانش غلبه یافته و بر کوفه مسلط شدند.[۱۷] بدین ترتیب، امارت مختار نیز چندان نپایید و همراه با بسیاری از یارانش جان خود را در راه احقاق حقوق اهل‌بیت فدا کردند.

مقایسه جایگاه و پایگاه سران دو قیام

با آنکه سلیمان‌بن‌صرد خزاعی، رهبر توابین، بزرگ طایفهٔ خزاعه و از کبار و زهاد زمان خود بود و از هم‌نشینی امام علی و امام حسن بهره‌مند بود،[۱۸] به نظر می‌رسد دیگر شخصیت‌های همراه او چون مسیب‌بن‌نجبه فزاری، عبدالله‌بن‌وال تمیمی، عبدالله‌بن‌سعدبن‌نفیل و رفاعة‌بن‌شداد بجدلی به‌رغم کبر سن، جایگاه و پایگاه والایی نداشته و در جریان واقعه کربلا و پس از آن بود که نام و نشانی یافتند.[۱۹] در حالی که مختار، افزون بر آنکه نام و نشان پدر (ابوعبیدبن مسعود ثقفی) را به یدک می‌کشید،[۲۰] از سیزده سالگی مشق جنگ کرده و در امور آن زبده بود[۲۱] و حتی تجربه اداره مدائن را در ایام حکومت امام علی داشت.[۲۲] در جریان واقعه کربلا نیز با پناه‌دادن به مسلم‌بن‌عقیل[۲۳] و پس از آن با دفاع از کعبه، نزد مردم عراق و حجاز، به ویژه شیعیان پایگاهی ویژه یافت.[۲۴] همچنین سوای عشیره شهره‌اش (ثقیف)[۲۵] از حمایت افراد صاحب نفوذی چون عبدالله‌بن‌عمربن‌خطاب بهره‌مند بود، به گونه‌ای که در چند موضع با وساطت او از بند ابن‌زیاد و زبیریان رهایی یافت.[۲۶] دیگر همراهان مختار، به ویژه ابراهیم‌بن‌مالک اشتر نیز

www.noormags.ir

عشیره و یاران پرشماری داشت که در کنار نام و نشانش، وی را چهره‌ای صاحب نفوذ و مهم ساخته بود.[۲۷] مختار نزد موالی کوفه هم پایگاهی درخور داشت و جمله آنها، به خصوص ابوعمره کیسان مرید او بوده و به تدبیر و کیاست او ایمان داشتند.[۲۸]

اختلاف دیدگاه و روش انقلابی دو گروه

بهترین راه برای آگاهی از دیدگاه سران تواب و مختار در قیام بر ضد مسببان حادثه کربلا و عقاید و باورهایشان در خصوص چگونگی تحقق هدفشان، سخنان آنهاست. این سخنان به مثابه اعلامیه‌های تبلیغاتی دو گروه می‌تواند زوایای تاریک دو قیام را روشن سازد. جوهره اصلی سخنان توابین از نخستین گردهمایی آنها به سال ٦١ق تا هنگام حضور در عین الورده همواره، درباره مضامینی چون ملامت نفس، آخرت‌گرایی، بی‌توجهی به دنیا و امور دنیوی، احساس گناه و قصور در برابر قتله دشت طف و شهادت‌طلبی می‌چرخید.[۲۹] نمونه آن، سخنان صخیربن‌حذیفه مزنی است. او در نخیله سخنان سلیمان را در باب بی‌اعتنایی به دنیا چنین تایید کرد:

> **... قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، در مصاحبت کسانی که قصد و نیت دنیا دارند خیری نیست. ای مردم! توبه از گناه و خون‌خواهی پسر دختر پیامبر، ما را به قیام واداشته، دینار و درهمی همراه نداریم، به طرف دم شمشیرها می‌رویم و نوک نیزه‌ها...».**[۳۰]

بنابراین به نظر می‌رسد ویژگی‌های یاد شده برای سران توابین، چون کبر سن و جایگاه معنوی آنها، رنگ و بوی مذهبی به فعالیت‌های آنها می‌داد و دغدغه اصلی آنها چگونگی رویارویی با پروردگارشان هنگام پرسش از آنچه در باب فرزند رسولش روا داشته بودند، از این‌رو فعالیت‌های آنها بیش از آنکه جنبه نظامی داشته باشد، رنگ و بوی مذهبی داشت. خفقان حاکم بر جامعه اموی معاصر آنها نیز عاملی شد تا تنها راه تحقق هدفشان را جان فشانی و شهادت‌طلبی دانسته[۳۱] و معیارهای گزینش دشواری برای جذب نیرو داشته باشند. در حقیقت، براساس همین مبنا بود که آنها از پذیرش پیشنهادهای مکرر حاکم زبیری کوفه و درخواست اتحاد زفربن‌حارث (به دلیل عدم مشروعیت سیاسی و مذهبی حاکمیت دو گروه، سابقه و کینه و عداوتشان با اهل‌بیت﵈) استنکاف ورزیدند.[۳۲] افزون بر آن، رهبر قیام در مواضع مختلف متعمداً خط و مشی قیام را یاد آور می‌شد، تا کسی جز با نیتی که بر آنند همراهشان نشود. این روش در عین حال که بر خلوص لشکریان می‌افزود، شمار آنها را تقلیل می‌داد، چنان که در نخیله، بعد از اتمام سخنان سلیمان در باب بی‌اعتباری دنیا و

www.noormags.ir

بی‌اعتنایی به آن، بالغ بر هزار نفر از یارانش او را ترک کردند. نمونه دیگر از این روش را هنگام حرکت گروهش از نخیله به سوی شام شاهدیم. رهبر قیام با حرکت شبانه و سریع نیروها از نخیله به سوی دیراعور، بسیاری از افراد همراه خویش را جای گذشت تا مبادا عدم خلوصشان باعث آشفتگی سپاه شود.[۳۳] عدم دعوت و کسب تکلیف توابین از امام سجاد نیز می‌تواند معلول دیدگاه آنها و راه و روش قیام باشد، زیرا افزون بر آنکه دعوت از امام را پس از عهد شکنی‌های پیاپی موجب اغرای به جهل و اتهام سفاهت می‌دانستند، با شهادت خویش در پی اثبات مودت و ارادت به اهل‌بیت بودند، از این رو به شهادت امام سجاد پس از حادثه کربلا خرسند نبودند.

در باب دعوت از محمدبن حنفیه نیز به نظر می‌رسد که توابین برای پذیرش بزرگ‌ترین پسر باقی مانده علی به عنوان حامی معنوی نهضت آمادگی نداشتند، زیرا او از اعقاب مستقیم پیامبر، از نسل فاطمه نبود. توابین بر ایده جانشینی از طریق رابطهٔ خونی با پیامبر معتقد بوده و تأکید داشتند، نه فرزندی علی، از این‌رو در سخنان آنها همواره بر رابطهٔ حسین با پیامبر از طریق فاطمه تأکید می‌شد.[۳۴]

اما مختار بر خلاف توابین قدرت سیاسی را راه تحقق هدف خویش و مقدم بر انتقام از قاتلان امام حسین می‌دانست و در این راه از تمامی ابزارها بهره برد. او در نخستین گام، حمایت محمدبن حنیفه را کسب نمود[۳۵] و خود را چون منجی‌ای برای فراهم آوردن اسباب اسباب رضایت همهٔ گروه‌ها معرفی می‌کرد، از این‌رو، بر خلاف گروه تواب که از بی‌اعتنایی به دنیا می‌گفتند، به هوادارانش مژده فتح، ظفر و سعادت دنیوی و اخروی می‌داد.[۳۶] بر همین اساس، او با شعار خون‌خواهی امام حسین حمایت شیعیان را به دست آورد[۳۷] و با نوید دادخواهی و عدالت‌گستری، بیش از بیست هزار موالی کوفی را با خود همراه کرد،[۳۸] همچنان که با گفتارهای موزون نیز راه رخنه‌ای در دل اعراب ،که دستی قوی در شعر و شاعری داشتند، یافت[۳۹] و با اعطای پست‌های حساس آنان را نواخت.[۴۰] افزون بر بر آن با بهره‌گیری معنوی از کرسی[۴۱] قیام خویش را پاسخی به آرمان‌های اعراب جنوبی، به‌ویژه یمنیان که از نخستین هوادارانش بودند،[۴۲] نشان داد، زیرا در دوران پیش از اسلام، صیانت از اماکن مقدس بر عهدهٔ طایفه‌های مشخصی از اعراب جنوبی و امتیازی به حساب بود.[۴۳] علاوه بر آن، اعراب قبایل عربستان جنوبی همچون مختار که کرسی را پیشاپیش لشکریان حرکت می‌داد، به هنگام جنگ نشان قبیله‌ای را به زعم آنکه فتح و ظفر

www.noormags.ir

می‌بخشاید، همراه خود می‌بردند. نمونهٔ آن تمسک بنی بکربن‌وائل به قبه عبدالله‌بن‌حنظله در روز ذوقار است.[۴۴] از این روست که نخستین نگهبانان کرسی (موسی پسر ابوموسی اشعری و حوشب برسمی) و تکریم‌کنندگان آن از قبیله‌های شبام، نهند، خارف و شاکر که نسب یمنی داشته، بودند.[۴۵] تأثیر این سیاست مختار بدان پایه بود که پیروزی ابراهیم بر سپاه شام مایهٔ شگفتی گروهی شد و آن را نتیجهٔ تمسک به کرسی پنداشتند.[۴۶] افزون بر آن، مختار حتی با زبیریانی که به دلیل سابقه‌شان در قیام توابین محل اعتماد واقع نشدند، همراه شد و پس از تسلط بر کوفه نیز هر چند به ظاهر و از روی خدعه از در اطاعت در آمد،[۴۷] زیرا در آن شرایط که درگیری هم‌زمان با امویان و زبیریان برای او دشوار بود، به چنین سیاستی برای بقای امارتش هم نیاز داشت.[۴۸] با این زمینه‌ها می‌توان گفت که بر خلاف جنبش خودجوش و مذهبی توابین، جنبش سازمان‌یافته مختار از تمامی ابزارها برای تحقق هدف قیام بهره برد، در حالی که در دیدگاه سران توابین تنها راه تحقق هدف، جان فشانی و شهادت‌طلبی بود که، بدیهی است تنها شیعیان مؤمن و معتقد می‌توانند آن را تحقق بخشند. آنان با تکیه بر این باور، برای وسیله، اصالتی هم پایه هدف قائل بوده و جنبش‌شان عربی ـ شیعی محض بود.

تاثیر دیدگاه و روش دو قیام در فرجام آنها

غلبه احساس گروه تواب بر تدبیر و دور اندیشی آنها باعث شد شتاب‌زده و پیش از فراهم آوردن مقدماتی جامع، به قیام بپردازند. اثر این شتاب را در حضور کم رنگ شیعیان در نخیله و دیر رسیدن شیعیان بصره و مداین می‌بینیم.[۴۹] خط مشی قیام که گروندگان به آن تنها در پی امور اخروی و گریزان از دنیا و متعلقات آن بودند، به همراه راه و روش تحقق هدف که همانا جان فشانی و شهادت‌طلبی بود، در جامعه آن روز کوفه اقبال عام نیافت، از این‌رو، از لحاظ کمی، قلیل و آسیب‌پذیر شدند،[۵۰] زیرا در هر عصری بسیار نیستند کسانی که تنها برای اهداف معنوی و اخروی به جان فشانی بپردازند. معیارهای گزینش دشوار توابین نیز باعث شد از همکاری و همراهی کسانی، چون زفربن‌حارث و سنگر ساختن قلعه مستحکم قرقسیاء غافل شوند،[۵۱] حتی بسیاری از همراهان آنها در پی چنین سخت‌گیری‌هایی گروه تواب را ترک کردند.[۵۲] به دیگر سخن، با چنین دیدگاه و راه و روشِ تحقق هدف، شمار آنان نمی‌توانست فراتر از چهار هزار و اندی که همراه سلیمان در

www.noormags.ir

عین الورده حضور یافته، باشند. این تعداد قلیل هر چند در نیت و باور راسخ، در مقابل خیل عظیم نیروهای شامی آسیب‌پذیر بود و نتیجه آن فراتر از آنچه شد، نمی‌توانست باشد.

اما مختار در عین حال که در اندیشه انتقام از مسببان حادثه کربلا بود، جمله گروه‌ها را بر ضد حکومت از محمدبن‌حنیفه و بنی‌هاشم گرفته تا موالی و امویان، زبیریان و اشراف کوفی، نواخت و با خود همراه کرد تا جنبشی سازمان دهد که ابزار تحقق هدفش باشد. مختار ضرورت قدرت سیاسی را برای تسهیل تحقق هدفش دریافته بود و باور داشت که این مهم بدون سیّاس بودن و بهره‌گیری از تمامی امکانات و نیروهای تأثیرگذار در کوفه، میسر نخواهد شد. هر چند همراهی گروه‌های عقیدتی و سیاسی گوناگون با مختار به درازا نکشید و برخی، چون موالی، اشراف کوفی و زبیریان عامل سقوط امارتش شدند،[۵۳] اما توفیق یافت بسیاری از قتله دشت طف را به بدترین شکل مجازات کند و شادی و دعای خیر اهل‌بیت را باعث شود.[۵۴]

نتیجه

توابین و مختار با آنکه مذهب تشیع داشته و انتقام از مسببان حادثه کربلا را وجهه همت خویش ساخته بودند، اما دیدگاه متفاوتی به امور داشته و هر کدام راه و روش خاصی برای تحقق هدف خویش اختیار کردند؛ جنبش خودجوش و مذهبی توابین راه حل نظامی را باور نداشت و با کشتن یا کشته شدن در پی اثبات مودت خویش به اهل‌بیت و جبران قصورشان در حق امام حسین و یارانش بود. آنها باور داشتند برای خارج نشدن از مسیر متعالی نهضت، همکاری گروه‌های غیر شیعه و افراد خواهان دنیا را نباید پذیرفت، از این رو دیدگاه و راه‌حل آنها در جامعه معاصرشان اقبال عام نیافت و در برخورد با شمار کثیر لشکربن زیاد در عین الورده، شکست خورده و اکثر قریب به اتفاقشان به شهادت رسیدند.

در مقابل، مختار باور داشت که جز با راه حل نظامی و فراهم آوردن گروه‌های عقیدتی و سیاسی تأثیرگذار در عراق نمی‌توان به هدف رسید، از این رو با فراهم آوردن مقدماتی جامع، حمایت معنوی ابن‌حنیفه را به دست آورده و با گرد هم آوردن گروه‌های مختلف، چون موالی، اشراف کوفی و بصری و شیعیان، کوفه را مقر قیام خویش ساخت و توفیق یافت بسیاری از قتله دشت طف را مجازات کند و باعث شادی و دعای خیر اهل‌بیت گردد.

www.noormags.ir

پی‌نوشت‌ها

۱. خلیفة‌بن‌خیاط، ***تاریخ خلیفة‌بن‌خیاط***، ص۲۲۲-۲۲٤.

۲. دینوری، ***الاخبار الطوال***، چاپ قاهره، ص۱۷.

۳. ابن‌نما حلی، ***میثرالاحزان***، ص۱۱؛ عیسی ریاض، ***الخربیة السیاسیة منذ قیام الاسلام حتی سقوط الدولة الامویه***، ص۱۷٦.

٤. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج۳، ص٥٤، ابراهیم بیضون، ***ملامح التیارات فی القرن الاول الهجری***، ص۱۸٦- ۱۸۷.

۵. ابن‌قتیبه دینوری، ***الامامه و السیاسه***، ج۲، ص۸ و ۷؛ ابن‌اعثم، الفتوح، ج۳، ص۷٤-۷۳.

٦. محمدجواد صاحبی، ***مقتل الشمس***، ص۱۲٤.

۷. محمدبن جریر طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص٤۲٦؛ ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ج٤، ص۱۵۸-۱۵۹؛ محمدجواد مغنیه، ***الشیعه و الحاکمون***، ص۱۹؛ نجار فوزی، ***الاسلام و السیاسه***، ص۱۸٤-۱۸۵.

۸. ابن‌اثیر جزری، الکامل فی‌التاریخ، ص۱۷۲- ۱۷۳ .

۹. علی‌بن حسین مسعودی، ***مروج الذهب***، ج۳، ص۹۲؛ ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ص۱۷۵-۱۷۷؛ ابن‌کثیر، ***البدایه و النهایه***، ج٤، ص۲۵۰- ۲۵۱- ۲۵٤؛ رسول‌جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ص۵۱۰.

۱۰. محمدبن جریر طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ص٤٤۹؛ بغدادی، ***تاریخ بغداد***، ج۱، ص۲۱۵؛ ابن‌اثیر، پیشین، ص۱۷٤ به بعد؛ ابراهیم بیضون، ***من دولة عمر الی دولة عبدالملک***، ص۱۹۹-۲۰۰؛ محمدسهیل طقوش، ***تاریخ حکومت امویان***، ص۷۱-۷۲.

۱۱. ابن‌اثیر جزری، پیشین، ص۱۸٦.

۱۲. ابوعلی بلعمی، ***تاریخ نامه طبری***، ج۲، ص۷٤۳؛ احمدبن علی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ج۲، ص۱۱۳؛ سیدعبدالعزیز سالم، ***تاریخ الدولة العربیه***، ص٦۵۲.

۱۳. بلاذری، ***انساب الاشراف***، ج۵، ص۲۱۸،

14. Hawting, "Mukhtar", in Encyclopedia of Islam.

۱۵. سیدجعفر شهیدی، ***قیام حسین***ؑ، ص۱۹۳؛ همو، ***پس از پنجاه سال***، ص۱۹۳-۱۹٤.

16. The Cambridge History of Islam, VI, p103 NEXT.

۱۷. محمدبن جریر طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ص۵٦۱؛ ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ۲٦۹-۲۷۰-۲۷۱.

۱۸. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج۲، ص۲۷۵؛ احمدبن یحیی بلاذری، ***انساب الاشراف***، ج۲، ص۲۷۵؛ نصربن مزاحم منقری، ***وقعة الصفین***، ص۵۱۹؛ عبدالرحمن‌بن علی‌بن‌جوزی، ***تذکرة الخواص***، ص۲۸۳؛ خوئی، ***معجم الرجال الحدیث***، ج۸، ص۲۷۱.

۱۹. علی‌بن حسین مسعودی، ***مروج الذهب***، ج۳، ص۱۰۱؛ احمد بادکوبه هزاره، «مدخل توابین»، ***دانشنامه جهان اسلام***.

۲۰. ابوعبیده‌بن‌مسعود ثقفی، از فرماندهان به نام عرب بود که در نبرد «یوم الجسر» و در جنگ با ایرانیان کشته شد (ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ج۲؛ ص٤۳۸؛ ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج۱، ص۱٦۳-۱۷۰.

۲۱. «در ایام خلیفه دوم همراه با پدر و عمویش سعدبن‌مسعود در نبرد با ایرانیان شرکت داشت»، مجلسی، ***بحارالانور***، ج٤۵، ص۳۵۰.

www.noormags.ir

۲۲. زرین کوب، ***دو قرن سکوت***، (از حمله عرب تا ظهور طاهریان)، ص۹۰.

۲۳. بلعمی، ***تاریخ‌نامه طبری***، ص۷۳۱.

۲٤. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص٤٤٦.

۲۵. عمررضا کحاله، ***معجم قبایل العرب***، ج۱، ص۱٤۸-۱٤۹ .

۲٦. احمدبن محمدبن واضح یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ص۲۰۱؛ طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص٤۸۸-٤۸۹، ٤٤۲؛ احمدبن علی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ج۲، ص۱۱۸؛ ابن‌خلدون، ***تاریخ***، ج۲، ص٤٤.

۲۷. دینوری، ***الاخبارالطوال***، ص۳۹۳؛ طبری، پیشین، ص٤۹۳ به بعد؛ مسکویه رازی، پیشین، ص۱۲۱ – ۱۲۲.

۲۸. دینوری، پیشن، چاپ ایران، ص۳۳۰؛ حسن انوشه، «از اسلام تا سلاجقه»، ***تاریخ ایران کمبریج***، ج٤، ص۳۷؛ دیکسون، ***بررسی سیاسی خلافت اموی***، ص۷۷.

۲۹. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص٤۲٦؛ احمدبن علی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ج۲، ص۹٦؛ ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ج٤، ص۱۵۹ – ۱٦۰.

۳۰. طبری، پیشین، ص٤۵۳.

۳۱. بلاذری، ***انساب الاشراف***، ج۵، ص۲۰۵.

۳۲. افزون بر آن عدم مشروعیت حاکم زبیری کوفه برای آن ها، دلیلی دیگر بر عدم پذیرش درخواست‌های آنها بود. لذا نمی‌خواستند در زیر لوای زبیریان بجنگند. (بلاذری، ***انساب الاشراف***، ص۲۰۸-۲۰۹؛ طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ص٤۵٤-٤۵۵ – ٤۵۸ – ٤۵۹ – ٤٦٤؛ ابن‌ابی الحدید، ***شرح نهج البلاغه***، ج۲۰، ص۱٦٦؛ مفید، ***الجمل*** . . . ، ص٤۱٤- ٤۱۵.

۳۳. طبری، پیشین، ص٤۵٦؛ ابن‌اثیر جزری، پیشین، ص۱۷۷.

34. Jafari, The origins and Early Development of Shi'a Islam, P158.

۳۵. ابن‌نماحلی، ***ذوب النضار فی شرح الثار***، ص۹٦.

۳٦. بلاذری، ***انساب الاشراف***، ص۲۱۷؛ طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ص٤٤۸-٤٤۹.

۳۷. ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ص۲۱۸-۲۱۹.

۳۸. دینوری، ***الاخبار الطوال***، چاپ ایران، ص۳۳۰؛ عبدالحسین زرین کوب، ***تاریخ ایران بعد از اسلام***، ص۳۵۷. برای اطلاع بیشتر از چگونگی وضعیت موالی در حکومت اعراب و دلایل پیوستنشان به مختار نک، خربوطلی، ***الاسلام و الخلافة***، ص۱۰۰ به بعد؛ ابوذر ورداسبی، ***ایران در پویه تاریخ***، ص۱۱۲؛ محمودرضا افتخارزاده، ***اسلام و ایران***، ص۱۱۸؛ امین ضحی الاسلام، ص٤۳؛ ***تاریخ اسلام کمبریج***، ص٤۳۷.

۳۹. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ص٤۵۰ – ٤۵۱.

٤۰. ابن‌اثیر جزری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص۲۲۷-۲۳۲؛ طوسی، ***اختیار معرفة الرجال***، ج۱، ص۳٤۲.

٤۱. طبری، پیشین، ص۵٤۹ – ۵۵۰؛ احمدبن علی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ج۲، ص۱٦۰ .

٤۲. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص۵۵۰-۵۵۱.

43. Jafari, Ibid, P182

٤٤. ابوالفرج اصفهانی، ***الاغانی***، ج۲۰، ص۱۳٦.

www.noormags.ir

٤٥. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج٤، ص٥٥٠-٥٥١.

٤٦. ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ج٤، ص٢٥٨ – ٢٥٩.

٤٧. طبری، پیشین، ص٥٤٠-٥٤١؛ احمدبن علی مسکویه رازی، ***تجارب الامم***، ج٢، ص١٥٤ – ١٥٥-١٥٦؛ سید، ***تاریخ الاسلام و المسلمین فی العصر الاموی***، ص٢٨٨.

٤٨. مسکویه رازی، پیشین، ص١٥٤ به بعد.

٤٩. ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ص١٨٦.

٥٠. مسکویه رازی، پیشین، ص١٨٦ .

٥١. سیدعبدالعزیز *سالم*، ***تاریخ الدوله العربیه، ص ٦٥١***؛ ابراهیم بیضون، *ملامح التیارات فی القرن الاول الهجری، ص ١٩٩-٢٠٠* .

٥٢. ابن‌اثیر جزری، ***الکامل فی التاریخ***، ص١٨٦ .

٥٣. علی‌بن حسین مسعودی، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، ص٩٧؛ محمدبن احمد ذهبی، ***تاریخ اسلام***، ص٥٠؛ سیدعبدالرزاق مقرم، ***تنزیه المختار***، ص١٠؛

Hawting, The first Dynasty of Islam, p 52, Ibid, "Mukhtar; Al-Semmari, A

٥٤. ابن‌عبدریه، ***عقدالفرید***، ج٥، ص١٤٣؛ اردبیلی، ***جامع الرواة***، ج٢، ص٢٢٠؛ مامقانی، ***تنقیح المقال***، ج٣، ص٢٠٤؛ خوئی، ***معجم رجال الحدیث***، ج٥، ص٩٤؛ سیدجعفر شهیدی، ***زندگانی علی‌بن‌حسین***ؑ، ص٩٤.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir

منابع

ابن‌ابی الحدید، عبدالحمیدبن‌هبة الله، ***شرح نهج البلاغه***، بیروت، دارالمکتبة الحیاة، بی‌تا.

ابن‌اثیر جزری، عزالدین، ***الکامل فی التاریخ***، بیروت، دارالصادر، ۱۳۹۹ ق.

ابن‌اعثم، ابومحمد احمد کوفی، ***الفتوح***، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱۲ق.

ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی، ***تذکرة الخواص***، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱٤۱۸ق.

ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن‌بن‌محمد، ***تاریخ ابن‌خلدون***، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳٦٤ ش.

ابن‌عبدربه، احمدبن محمد، ***عقد الفرید***، تصحیح احمد امین، ابراهیم الابیاری و عبدالاسلام محمد هارون، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱٤۰۳ ق.

ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله‌بن‌مسلم، ***الامامه و السیاسه***، قاهره، مکتبه و مطبعةالمصطفی، بابی حلبی، ۱۹٦۳م.

ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل‌بن‌عمر دمشقی، ***البدایة و النهایة***، تحقیق احمد ابوملحم و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

ابن‌نماحلی، نجم الدین جعفربن محمدبن جعفربن هبة الله، ***میثرالاحزان***، قم، تحقیق نشر مدرسه الامام المهدی، ۱٤۰٦ق.

ـــــ ، ***ذوب النضار فی شرح الثار***، تحقیق فارس حسون کریم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱٤۱٦ ق.

اردبیلی، محمدبن علی، ***جامع الرواة***، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱٤۳۰ ق.

افتخارزاده، محمودرضا، ***اسلام و ایران***، تهران، انتشارات رسالت قلم، ۱۳۷۷ ش.

امین، احمد، ***ضحی الاسلام***، ترجمهٔ عباس خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۷۷ ش.

بادکوبه هزاره، احمد، «مدخل توابی»، ***دانشنامه جهان اسلام***، زیر نظر دکتر حداد عادل، تهران، ۱۳٦٤ش.

بغدادی، احمدبن علی ابوبکر خطیب، ***تاریخ بغداد او مدینة الاسلام***، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

بلاذری، احمدبن یحیی، ***انساب الاشراف***، بیروت، دارالنشر، ۱٤۰۰ ق.

بلعمی، ابوعلی، ***تاریخ‌نامه طبری***(گردانیده منسوب به بلعمی)، بخش چاپ نشده، به تصحیح و تحیشه محمد روشن، چاپ سوم، تهران، نشر دوم، ۱۳٦۸ش.

بیضون، ابراهیم، ***ملامح الثیارات فی القرن الاول الهجری***، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۹م.

جعفریان، رسول، ***تاریخ سیاسی اسلام***، قم، الهادی، ۱۳۷۸ش.

خلیفةبن‌خیاط، ابوعمروبن ابی هبیره، ***تاریخ خلیفةبن‌خیاط***، تحقیق اکرم ضیاءالعمری، نجف، ۱۹٦۷م.

خوئی، سیدابوالقاسم، ***معجم الرجال الحدیث***، قم، مدینة العلم، ۱٤۰۹ ق.

دیکسون، عبدالامیر عبد، ***بررسی سیاسی خلافت اموی***، ترجمه گیتی شکری، تهران، طهوری، ۱۳۸۱ش.

دینوری، احمدبن داوود، ***الاخبار الطول***، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، بی‌نا، ۱۹٦۰م.

ـــــ ، ***اخبار الطوال***، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳٦۸ ش.

ذهبی، محمدبن احمد، ***تاریخ اسلام*** (حوادث و وفیات ٦۱-۸۰)، بیروت، بی‌نا، ۱٤۱۰ ق.

ریاض، عیسی، ***الخریبة السیاسیة منذ قیام الاسلام حتی سقوط الدولة الامویه***، دمشق، بی‌نا، ۱۹۹۲م.

زرین‌کوب، عبدالحسین، ***دو قرن سکوت*** (از حمله عرب تا ظهور طاهریان)، تهران، انتشارات علمی، ۱۳٤٤ ش.

ـــــ ، ***تاریخ ایران بعد از اسلام***؛ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳٦۳ش.

www.noormags.ir

سالم، سیدعبدالعزیز، ***تاریخ الدولة العربیة***، بیروت، دارالنهضت العربیه، بی‌تا.
سید، مجدی فتحی، ***تاریخ السلام و المسلمین فی العصر الاموی***، دارالصحابة للتراث طنطا، ۱٤۱۸ق.
شهیدی، سیدجعفر، ***قیام حسین***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳٦۵ ش.
ـــــ ، ***پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین***، تهران، دفتر نشرفرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
ـــــ ، ***زندگانی علی‌بن‌حسین***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش.
صاحبی، محمدجواد، ***مقتل الشمس***، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۲ ش.
طبری، ابوجعفر، محمدبن جریر، ***تاریخ الامم و الملوک***، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی‌للمطبوعات، بی‌تا.
طقوش، محمد سهیل، ***تاریخ حکومت امویان***، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بی‌تا.
طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، ***اختیار معرفة الرجال*** (رجال الکشی)، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳٤۸ ش.
ـــــ ، ***اختیار معرفه الرجال*** (رجال کشی)، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱٤۰٤ق.
فوزی نجار، د. حسین، ***الاسلام والسیاسة***، بحث فی اصول النظریة السیاسیة و نظام الحکم فی الاسلام، قاهره، مطبوعات الشعب، ۱۹۷۷م، ۱۸٤-۱۸۵.
کحاله، عمر رضا، ***معجم قبائل العرب***، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱٤۱٤ ق.
انوشه، حسن، «از اسلام تا سلاجقه» ***تاریخ ایران کمبریج***، دانشگاه کمبریج، تهران، امیرکبیر، ۱۳٦۳ش.
مامقانی، عبدالله‌بن‌محمد حسن، ***تنقیح المقال***، نجف، ۱۳٤۹-۱۳۵۲ ق.
مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار الجامعه لدررأخبارالائمه الاطهار***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌حسین، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، تحقیق محمدمحیی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.
مسکویه رازی، احمدبن علی، ***تجارب الامم***، حققه و قدم له الدکتور ابوالقاسم امامی، تهران، دارالسروش، ۱۳٦٦.
مغنیه، محمدجواد، ***الشیعه و الحاکمون***، بیروت، مکتبه الهلال و دارالجواد، ۱۹۸۱م.
مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ***الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱٤۱۳ ق.
مقرم، سیدعبدالرزاق موسوی، ***تنزیة المختار***، قم، انتشارات شریف رضی، ۱٤۱۱ ق.
منقری، نصربن مزاحم، ***وقعةالصفّین***، تحقیق عبدالاسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا.
ورداسبی، ابوذر، ***ایران در پویه تاریخ***، تهران، قم، ۱۳۵۷ ش.
یعقوبی، احمدبن محمدبن واضح، ***تاریخ الیعقوبی***، بیروت، دارالصادر، بی‌تا.
ـــــ ، تاریخ یعقوبی، ترجمه ***محمد ابراهیم آیتی***، تهران، علمی‌و فرهنگی، ۱۳۷٤ش.
Hawting. G. R, ***The First Dynasty of Islam***, The Umayyad Caliphate AD 661-750,Second edition, Londan,1896.
Jafari, S.H.M, ***The Origins and Early Development of Shi'a Islam***, American University of Beirut, 1976.
The Cambridge History of Islam, Edited by p. m. Holt, Ann.k. S. Lambton, Bernard Lewis, Cambridge University, 1970-1977.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

www.noormags.ir